



علی محمدی / ایران

و استان‌هایی خاص) باشد. بنابراین برای تحقق رؤیای ایرانی، باید از خود پرسیم وظیفه ما برای احقاق حقوق شهروندی تک‌تک ایرانیان و بهره‌مندی آنها از حقوق برابر چیست؟

اگر به دنبال رؤیایی دموکراتیک و متکثر برای ایران هستیم، پاسخ تمام پرسش‌های مطرح شده در این متن باید از دل گفت‌وگوهای شهروندان درآید. اینکه «راه برون رفت از بحران فعلی چیست؟»، «رؤیای ایرانی چه معنا و چه مؤلفه‌هایی دارد؟»، «ایران رؤیایی در گذشته، چه شاخصه‌هایی داشته است و چگونه می‌توانیم آن کیفیت‌ها را بازتعریف، معاصر و امروزی کنیم؟»، «آن گذشته رؤیایی، چه نقصانی داشت و چرا از زمانی به بعد در تاریخ استمرار نیافت؟»، «چرا وضعیت معاصر ما با وجود برخی تلاش‌های جمعی مان ظرف چند سال گذشته چنین شد؟»، «حال در شرایط فعلی چه باید بکنیم؟»، «چگونه می‌توانیم حلقه‌های مدنی و شبکه‌های اجتماعی را تقویت کنیم و عاملیت جمعی شهروندان را در حیطه‌های گوناگون افزایش دهیم؟»، «چگونه می‌توانیم از نمونه‌های معاصر کارگروهی ایرانیان، مانند تیم‌های ملی ورزشی مان برای انجام فعالیت‌های جمعی فرهنگی و اجتماعی الهام بگیریم؟» و نهایتاً «چگونه ضمن تعریف رؤیایی مشترک، از امنیت و حقوق متکثر تمامی ایرانیان مراقبت کنیم؟» لازمه تحقق رؤیای ایرانی، گفت‌وگویی همگانی بین تمامی شهروندان، از نخبگان تا عموم مردم حول چنین پرسش‌هایی است. گفت‌وگویی که محدود به فضای مجازی نشود و به صورت رودر رو در محافل دوستانه و جمع‌های صنفی آغاز شود و به فضای عمومی تسری یابد.

برای دسترسی به هر رؤیایی در آینده، نخست باید به بزرگی و تعدد مشکلات پیش رواجت را بپذیریم. اما بدانیم که این سرزمین در تاریخ خود روزهای تلخ‌تر از این را نیز سپری کرده است. اگر ایران را دوست داریم، اگر به سرمایه‌های فرهنگی، ظرفیت‌های اجتماعی و توانمندی‌های انسانی آن باور داریم و اگر آگاهی‌ها که در کوتاه مدت نمی‌توان بهبود محسوسی را ایجاد کرد، پس باید با مراقبت جمعی و گروهی از خود، نزدیکان مان و ایران و ایرانیان، از بحران کنونی، با کم‌ترین آسیب گذر کنیم و در ادامه با پیوند با هم، برای بهسازی تدریجی وضع همکاری کنیم. زندگی با تمام فراز و فرودهایش نهایتاً یک بازی است و ما در لحظات دشوار این بازی به سرنوشت خود وابسته‌ایم. این میدان ایران و حال ما خوب نیست. اما می‌توانیم به سهم خود «بازیکن» این میدان سخت شویم و در کنار هم، احوال خود، ایران و ایرانیان را کمی بهتر کنیم تا سرانجام روزی رؤیای جمعی مان محقق شود.

باشیم. برای تخیل رؤیایی در آینده باید به سراغ عاملیت گروهی و ایفای نقش جمعی رفت و از خود پرسید در وضعیت دشوار کنونی، چگونه می‌توانیم در مقیاس‌هایی کوچک، به هم پیوندیم و در کنار یکدیگر زیست جمعی را تجربه کنیم؟ آیا اصولاً در ایران معاصر نمونه‌ای از کارگروهی موفق وجود دارد؟

در سال‌های اخیر بسیاری تیم‌های ملی ورزشی ایران، با موفقیت در عرصه‌های جهانی، هم لحظاتی پرافتخار را برای ایرانیان به ارمغان آورده‌اند و هم کلیشه‌های ذهنی در مورد «ناتوانی ما ایرانی‌ها در کار گروهی» را شکسته‌اند. این تیم‌ها، با وجود امکانات کمتر در قیاس با بسیاری کشورها، به اتکای کیفیت‌ها و ویژگی‌های خاصی، توانسته‌اند محدودیت‌ها را پشت سر بگذارند. در واقع تیم‌های ملی ایران نمونه‌هایی از تحقق مقطعی رؤیای جمعی ما در ایران معاصر هستند و برای تخیل رؤیایی در آینده ایران، می‌توان به این پدیده‌ها توجه کرد؛ اینکه این تیم‌ها چه ویژگی‌های مشترکی دارند که می‌توانند با وجود موانع گوناگون موفق شوند و چگونه می‌توانیم با بازتعریف این الگوهای جمعی در سایر حیطه‌های فرهنگی و اجتماعی ما شهروندان نیز در کنار یکدیگر «تیم ملی» باشیم و بر محدودیت‌های موجود غلبه کنیم و از بحران فعلی گذر کنیم؟

در شرایطی که حیطه اختیارات ما شهروندان و حوزه عاملیت ما برای بهبود اوضاع بسیار کوچک و اندک است، پیش شرط عبور از بحران کنونی، صرفاً مراقبت جمعی از خود، اطرافیان، شهر و محل زندگی مان، بخشی از هموطنان مان و نهایتاً ایران است. در شرایط فعلی، به صورت واقع‌بینانه، ما شهروندان امکان چندانی برای گشایش گره‌های فروبسته پیش رو نداریم، لذا باید نخست مراقب هستی مادی، معنوی و روانی خود باشیم و البته بدانیم که در این راه با دیگر ایرانیان هم سرنوشتیم و مراقبت از خود و اطرافیان مان، بدون میزانی از مراقبت از محیط پیرامون مان و دیگر شهروندان ایرانی، پایدار و مستمر نخواهد بود. ما باید به سهم خود در پی باری به فردستان باشیم زیرا جامعه‌ای که در آن امنیت روانی اکثر ایرانیان و امنیت خاطر طبقات تهیدست و محروم برای بهره‌مندی از حداقل معاش و نیازهای زندگی شان تأمین نشود، امنیت‌پایداری نخواهد داشت. در واقع، اگر لازمه تخیل رؤیایی برای آینده ایران، امنیت کشور است، این امنیت باید هم جامع (در تمامی حیطه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیستی)، هم دموکراتیک (با حفظ حقوق و آزادی افراد) و هم برای تمام ایرانیان (و نه صرفاً گروه یا طبقه یا جنسیت یا شهرها